



نشریه‌ی طراحی گرافیک ایران  
شماره‌ی چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۷  
ویژه‌ی دیزاین و موسیقی  
بهای تک شماره ۴۰/۰۰۰ تومان

**NESHAN 44**  
DESIGN AND MUSIC  
The Iranian Graphic Design Magazine  
SUMMER 2018

یادداشت: دیزاین موسیقی و موسیقی دیزاین، مجید عباسی

نظر-۱: موسیقی، دیزاین بر بستر زمان، امیر صراف

نظر-۲: پوستر من را بشنوید، روشنک کیقبادی

طراحی معاصر ایرانی: سیامک پورجبار؛ طراحی که هر کلاهی سرش نمی‌رود، علی افسریور

پروژه: صدای طراح؛ درباره‌ی طراحی جلد آثار موسیقی در ایران ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۷، معراج قنبری

طراحی امروز: صداها، تصادفی؛ تصاویر مبهم، پویا احمدی

روبه‌رو: شور و قدرت؛ روبه‌رو با فونس هیکمان، مجید عباسی

مرجع-۱: مجله و موسیقی، پینس مولر

مرجع-۲: ضبط نسخه‌های موسیقی معاصر، غزال پریزاد

آرشیو-۱: ملودیا و آن سال‌ها، الکساندرا سانکوا

آرشیو-۲: طراح جلد: ندارد؛ نگاهی سریع به طراحی جلد صفحه‌های وینیل در ایران، علی بختیاری

گوناگون: در باب طراحی، ترجمه و پژوهش، چینزیا فه‌رارا

در یک نگاه: ژوزف مولر بروکمان؛ آغازگر و پیشرو، مجید عباسی

گالری: پائولا شر، خلق جهانی دیداری، در دنیای شنیداری، لیلیا پناهنده

کتاب: سپیده هنرمند





نشریه‌ی طراحی گرافیک ایران  
شماره‌ی چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۷  
ویژه‌ی دیزاین و موسیقی  
بهای تک‌شماره ۴۰۰۰۰ تومان

نشان نشریه‌ای است تخصصی، پژوهشی و آموزشی با هدف گسترش طراحی، فرهنگ بصری و ارتباط بین طراحان گرافیک ایران، آسیا و جهان.

ico-D International Council of Design  
leading creatively

IDMN International Design Media Network

نشان، عضو شبکه‌ی رسانه‌ای بین‌المللی دیزاین (آی.دی.ام.ان) ایکوگرادا است.

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: ساعد مشکی  
سردبیر و دبیر تحریریه: مجید عباسی  
مشاور تحریریه: علی رشیدی  
مشاورین بین‌المللی تحریریه: پویا احمدی، وانینا پینتر، اولگا سورینا،  
پنس مولر، امیلی وربا فیشر، استیون هلر

همکاران تحریریه‌ی این شماره:

پویا احمدی، علی افسریور، علی بختیاری، غزال پریزاد، لیلا پناهنده،  
الکساندرا سانکووا، امیر صراف، چینزیا فه‌رار، معراج قنبری، روشنگ کیقبادی،  
پنس مولر، سپیده هنرمند

با سپاس از:

انتشارات لارس مولر، مانفرد آیشر (ای‌سی‌ام)، سیامک پورجبار،  
بتینا ریشتتر (موزه‌ی دیزاین زوریخ)، پائولا شر (پنتاگرام)،  
رامین صدیقی (نشر موسیقی هرمس)، آریا کسائی، موزه‌ی دیزاین مسکو،  
موزه‌ی طراحی گرافیک ایران، فونس هیگمان

ویراستار فارسی: محسن فرجی

ویراستار انگلیسی: امیلی وربا فیشر

برگردان فارسی به انگلیسی: کانون ویرایش و ترجمه

برگردان انگلیسی به فارسی: پویا احمدی، کانون ویرایش و ترجمه

طراحی و صفحه‌آرایی: استودیو دیزاین عباسی؛ لیلا پناهنده، پریسا گلاب  
ساختار طراحی بخش انگلیسی: پویا احمدی  
وبسایت: گروه ماز

حامیان اصلی: استودیو دیزاین عباسی، داروگ اینترنشنال، نشر مشکی

لیتوگرافی و چاپ آرتا ۰۸۵ ۷۷۷۸۳۰

این شماره‌ی نشان با قلم ویژه، طراحی دامون خان‌جانزاده، صفحه‌آرایی شده است.

آرای نویسندگان لزوماً نظر نشریه‌ی نشان نیست.

نقل و انتشار مطالب نشریه‌ی نشان با اجازه‌ی کتبی نشریه امکان پذیر است.

نشریه‌ی نشان

تهران ۱۵۶۵۷۵۶۳، خیابان سهروردی جنوبی، کوچه صدری، کوچه منصور، شماره ۵

تلفن: ۷۷۵۳۵۱۳۸

info@neshanmagazine.com  
neshanmagazine.com

t.me/Neshanmag  
instagram.com/neshanmag  
facebook.com/neshanmagazine



۴ یادداشت  
دیزاین موسیقی و موسیقی دیزاین  
مجید عباسی

۶۶ مرجع - ۲  
ضبط نسخه‌های موسیقی معاصر  
غزال پریزاد

۶ نظر- ۱  
موسیقی، دیزاین بر بستر زمان  
امیر صراف

۷۸ آرشیو- ۱  
ملودیا و آن سال‌ها  
الکساندرا سانکووا

۸ نظر- ۲  
پوستر من را بشنوید  
روشنک کیقبادی

۸۸ آرشیو- ۲  
طراح جلد: ندارد  
نگاهی سریع به طراحی جلد صفحه‌های وینیل در ایران  
علی بختیاری

۱۰ طراحی معاصر ایرانی  
سیامک پورجبار  
طراحی که هر کلاهی سرش نمی‌رود  
علی افسریور

۹۸ گوناگون  
در باب طراحی، ترجمه و پژوهش  
چینزیا فه‌ارا

۲۶ پروژه  
صدای طراح!  
درباره‌ی طراحی جلد آثار موسیقی در ایران ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۷  
معراج قنبری

۱۰۶ در یک نگاه  
ژوزف مولر بروکمان  
آغازگرو پیشرو  
مجید عباسی

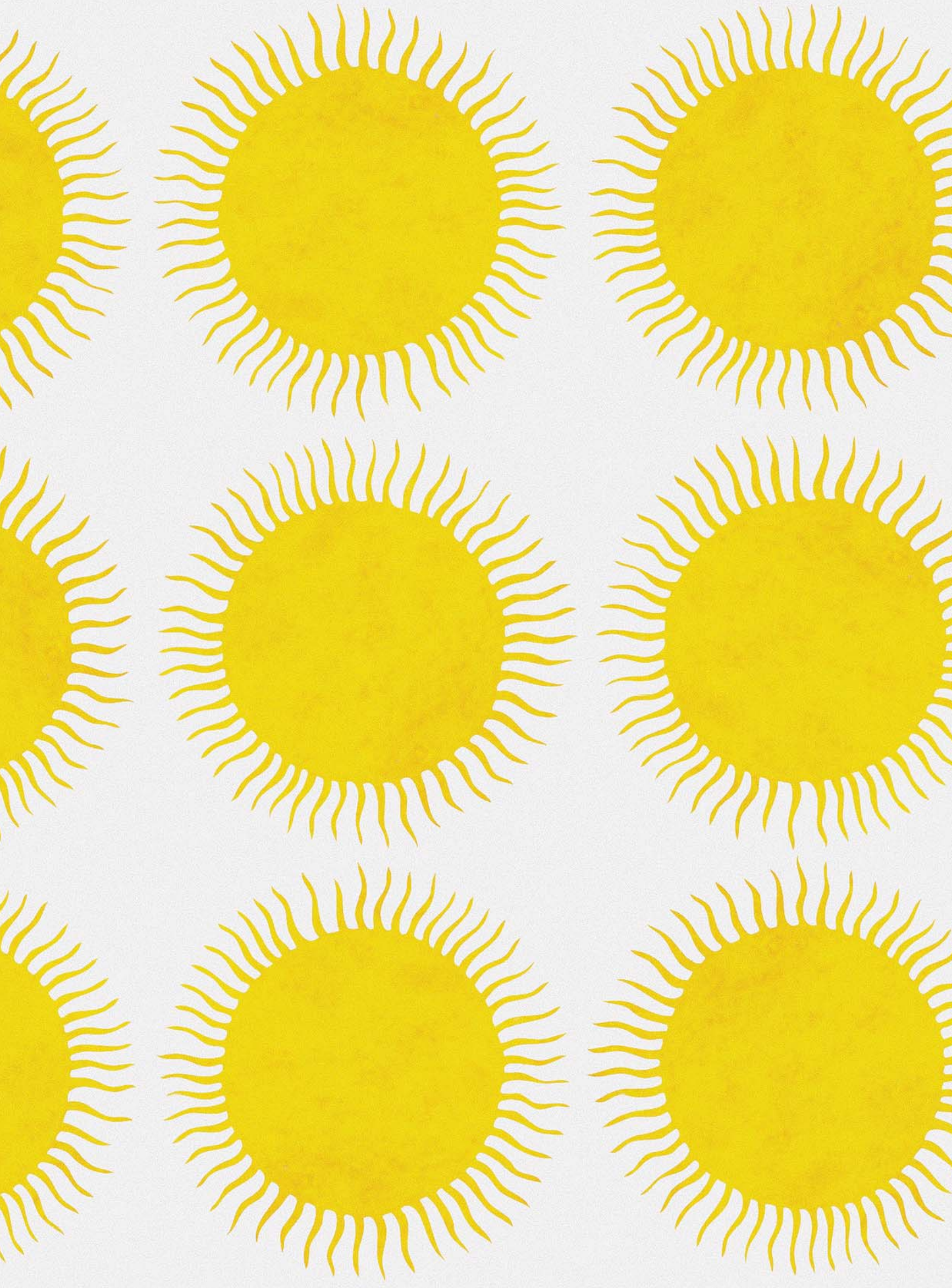
۳۶ طراحی امروز  
صداها‌ی تصادفی؛ تصاویر مبهم  
پویا احمدی

۱۱۴ گالری  
پائولا شر  
خلق جهانی دیداری، در دنیای شنیداری  
لیلا پناهنده

۴۴ روبه‌رو  
شور و قدرت  
روبه‌رو با فونس هیگمان  
مجید عباسی

۱۲۲ کتاب  
سپیده هنرمند

۵۸ مرجع - ۱  
مجله و موسیقی  
ینس مولر



## در باب طراحی، ترجمه و پژوهش

چینزیا فه‌رارا<sup>۱</sup>



چینزیا فه‌رارا، طراح گرافیک، معمار، پژوهشگر و استاد دانشگاه پالرمو، رئیس انجمن دیزاین و ارتباطات بصری ایتالیا است. در کنار طراحی، به تدریس و سخنرانی در کنفرانس‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها و مدارس دیزاین در ایتالیا مشغول است. او تاکنون مقالات متعددی در مجلات ملی و بین‌المللی منتشر کرده و سرپرستی و برگزاری کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های گوناگون را به عهده داشته است. فه‌رارا در جزیره‌ی سیسیل زندگی و کار می‌کند؛ جایی که به قول خودش بیشتر به یک قاره می‌ماند تا یک جزیره.

بحث در باب طراحی ارتباط بصری مستلزم این است که مسئله‌ی ترجمه هم به طور مداوم و به موازات آن، صرف نظر از محتوای مورد بحث، مطرح شود. بحث روی طراحی ارتباط بصری برای موسیقی شامل دو مرحله‌ی ترجمه است، چرا که دو نوع تغییر را ایجاد می‌کند؛ تغییر فرم بیان محتوا از فرم اصلی و تغییر اصل ماهیت موسیقی، از انتزاعی و ناملموس، به عینی و ملموس. در این فرایند، که ممکن است ارزش هرمنوتیک<sup>۲</sup> به خود بگیرد، طراح به عنوان مترجم عمل می‌کند؛ در این فرایند، او برای انتقال مفهوم یا به عبارتی «گذرا از پل ارتباطی» دست به ابزارها می‌برد و با تغییر درونمایه‌ی مفاهیم سعی می‌کند تا ترجمانی مرئی از محتوایی نامرئی ارائه کند.

البته هیچ چیز به اندازه‌ی سادگی ظاهری عبارت «ترجمه» نمی‌تواند فریبنده باشد. ترجمه فراتر از فرایند صرفاً خودکار جایگزینی واژه‌هاست. در مقابل معنای تحت‌اللفظی این واژه در انگلیسی عبارت است از: «حمل فرم حامل یک فکر از جایی به جای دیگر، تعبیر واژه و ارائه‌ی عمیق معنای اصیل». خورخه لوئیس بورخس<sup>۳</sup> از مترجمش می‌خواهد خود را محدود به واژه‌های مکتوب نکند و بالاتر برود، خودش را از مسیرهای پرشیب بالا بکشد تا بتواند به درست‌ترین نیت او از واژه‌ها برسد، از استعاره‌ی استفاده از زبان فراتر برود و بتواند واقعیت را به شیوه‌ای ناکامل و ناتمام به تصویر بکشد.

شک دارم فرانکو باتیاتو<sup>۴</sup> از فرانچسکو مسینا<sup>۵</sup> خواسته باشد فرایندی متناقض، مانند خواسته‌ی بورخس را اجرا کند و وقتی این اتفاق بیفتد، هربار مجبور می‌شوند به چشمان هم نگاه کنند. شک دارم چون از لیبرال‌گرایی باتیاتو آگاهم و اینکه ذهنش دریایی آزاد است، از استقلال مسینا هم آگاهم که شنونده‌ای دقیق است و در عین حال بسیار مصمم در انتخاب‌هایش. از همان ابتدا، ارتباط آنها مانند دو نفر بود که در دو مسیر موازی قدم می‌زنند و راه‌هایشان چند باری یکدیگر را قطع می‌کند، کاملاً خلاف قوانین هندسه.

فرانچسکو مسینا طراحی چندمنظوره است، چون نه فقط یک طراح ارتباط بصری، بلکه آهنگساز و موزیسین هم هست. این یعنی او نه تنها توان گوش دادن به موسیقی را دارد، بلکه می‌تواند آن را بفهمد، تصور کند و بنویسد. او این کار را درست مانند شنا کردن انجام می‌دهد، با حرکت نرم بین خطوط و برخوردش با نت‌های پراکنده و پُرکردن فضا و زمانی که آهنگ در آن شکل می‌گیرد. هرچند، او می‌تواند در موسیقی شیرجه هم بزند، از لایه‌هایش بگذرد و به ژرفای بی‌پایانش برسد، از سطح و نور مکسر در آن بگذرد و به رازآلودترین و موهوم‌ترین موتیف‌هایی<sup>۶</sup> برسد که موسیقی را خلق می‌کنند.

هنگام تفسیر پروژه‌های بسیارش در همکاری طولانی و سخاوتمندانه‌ی وی با فرانچسکو باتیاتو، نقش دوگانه‌اش را نمی‌توان دست کم گرفت. باتیاتو هم موزیسین، خواننده، غزل‌سرا، آهنگساز، شاعر، نقاش و کارگردان سینمایی بود؛ هم محقق سیری‌ناپذیر که هیچ‌گاه خسته نمی‌شد و هیچ‌وقت به قله‌های فتح‌شده‌اش اکتفا نمی‌کرد. این ویژگی‌ها او را در موقعیتی ممتاز قرار می‌داد تا نگاهی به سرنوشت سفارش داشته باشد و مسیری جدید برگزیند.

فرانچسکو مسینا و فرانکو باتیاتو در سال ۱۹۷۴ با هم ملاقات می‌کنند، رفته‌رفته با هم دوست و شریک می‌شوند و وجودشان در زندگی یکدیگر ضروری‌تر می‌شود. بدین ترتیب ارتباطی محکم و عمیق بین‌شان شکل می‌گیرد. موسیقی تنها یکی از دلایل ارتباط آنهاست، «هرچند که علاقه‌ی انتخابی آنها با این عناصر ایجاد شده و گویا درونی بوده و همیشه هم ارادی؛ این را وقتی بهتر می‌شد فهمید که می‌دیدیم همیشه

## بحث روی طراحی ارتباط بصری برای موسیقی شامل دو مرحله‌ی ترجمه است، چرا که دو نوع تغییر را ایجاد می‌کند؛ تغییر فرم بیان محتوا از فرم اصلی و تغییر اصل ماهیت موسیقی، از انتزاعی و ناملموس، به عینی و ملموس.

پیرو هم بودند، همیشه هم را جذب می‌کردند و همیشه در هم ذوب می‌شدند.<sup>۷</sup> نقش آنها را سیسیل ممکن است بتواند بازی کند، که در تاروپود وجود هر دوی آنها هست، سرزمینی که نقشه‌ها جزیره می‌خوانندش اما در حقیقت، همان طور که گوسالدو بوفالینو<sup>۸</sup> با واژگانش تصویر کرده، قاره‌ای است که در آن همه چیز درهم آمیخته و مدام در حال تغییر و متناقض است.

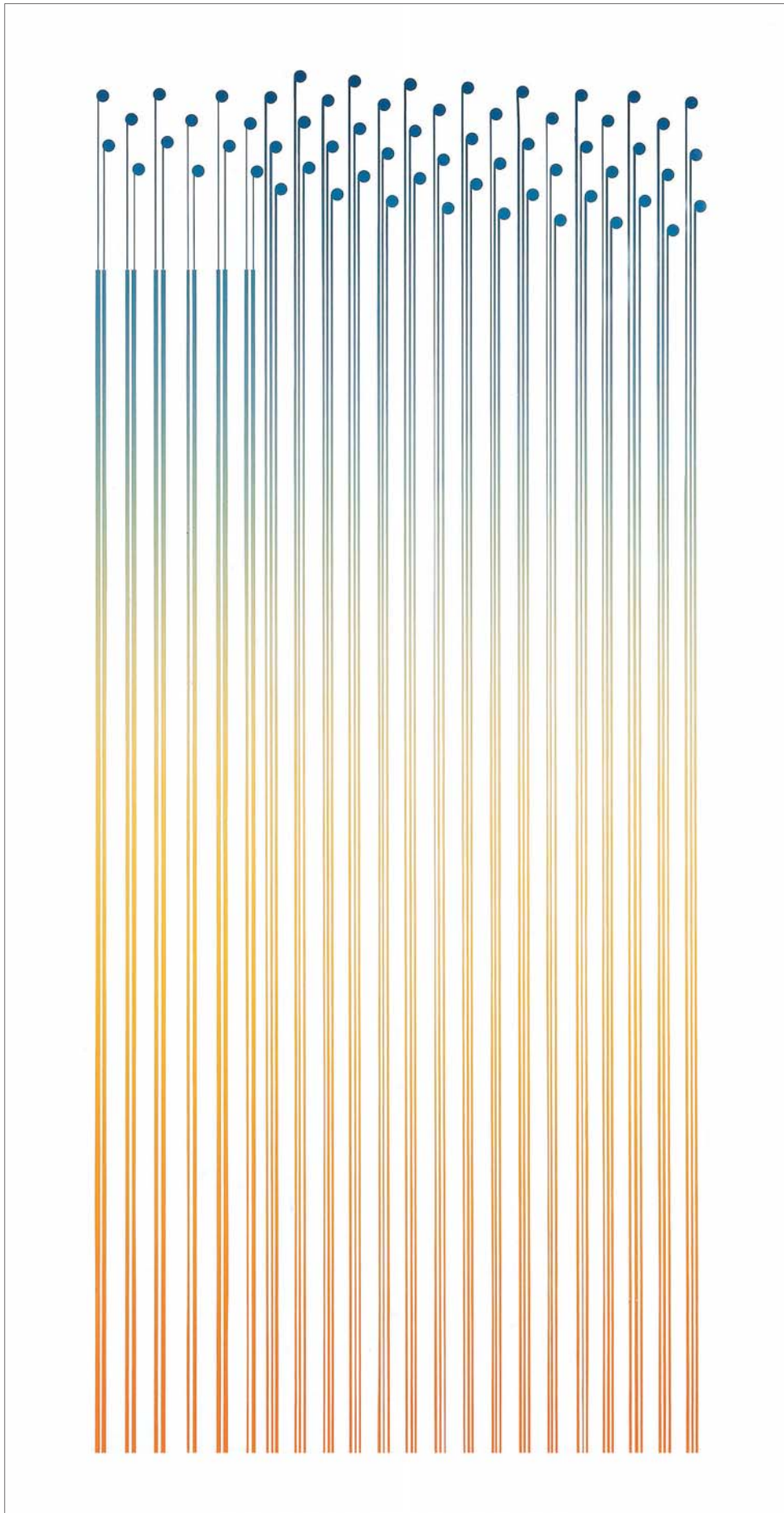
دیدار آنها در قلمرو موسیقی صورت گرفت؛ طراحی ارتباط بعدتر شکل می‌گیرد، وقتی همدیگر را شناختند و دیدند شبیه به یکدیگرند و در عین حال کاملاً متفاوت، مجزا و در عین حال کامل‌کننده‌ی یکدیگر، مانند شرق و غرب. شاید درست نباشد اگر به «دیالوگ‌پردازی» آنها به چشم یک رابطه‌ی صرف طراح-مشتری نگاه کنیم؛ باید نمونه‌هایی عالی به یاد بیاوریم که ما را به گذشته می‌برند و باعث می‌شوند به مردانی با هوش و حساسیت استثنایی بیندیشیم. کار ترجمه‌ی فرانچسکو مسینا همیشه دقیق و ریزبینانه است؛ نه فقط یک انتقال تحت‌اللفظی، بلکه کاری است تکمیل‌شده با استفاده از همه‌ی ابزارهایی که در دسترس‌اش است. بنابراین می‌توان به درون‌شان نگرست و خط فکری و امضای او را بر آثارش دید؛ شفافیت در تفکر و قدرت در بیان، چیزهایی که به شدت نایابند. در عین حال می‌توان دریافت که هر پروژه از عنوان آغاز شده، به متن، موسیقی، نیت و فکر رسیده و لایه‌لایه تا شکوفایی پیش‌رفته است؛ اما همیشه آثارش ساختارشکن هستند، خرق عادت می‌کنند و از بدیهیات و تکرارها دوری می‌جویند.

عکاسی همیشه یکی از عناصر ثابتی بوده که وی در پروژه‌هایش استفاده کرده است؛ خواه این عکس را خودش گرفته باشد یا عکاسی دیگر، در روزگاری دور یا نزدیک، اتفاقی یا برنامه‌ریزی شده، عکسی که تصادفاً پیدا کرده باشد یا با زحمت یافته باشد. اما همیشه - به قول خودش در فرایند پس‌تولید، طرح‌ها را به آنها «آلوده می‌کند» - ممکن است عکسی ترکیبی از چند رنگ باشد یا تک‌رنگ و مونوکروماتیک، با تضاد اغراق‌شده‌ای میان رنگ‌ها و یا ساده در حد سیاه و سفید. رد این دستکاری‌ها در خیلی از آثار وی مشهودند؛ در آسمان‌های کوه آرارات، که به اجبار تاریک و شبانه نشان داده شده‌اند، در پرتره‌ی باتیاتو جایی که صندلی ناپدید می‌شود و گویی بدنش در هوا معلق است، نخل‌ها و ریگ‌های روان صحرا احاطه‌اش کرده‌اند؛ در کنتراست الگوی لک‌های در حال پرواز با تصویر پس‌زمینه و در تصاویری که در حافظه انبار شده‌اند و گاهی گستاخانه، برای استفاده‌ی دوباره به سطح می‌آیند، مانند بادی که می‌وزد و دامن را به هوا می‌برد.

خیلی وقت‌ها می‌خواهند عکاسی نقش یک شخصیت اصلی را بازی کند که باید یاد بگیرد با دیگر عناصر ترکیب همزیستی داشته و با آنها دیالوگ برقرار کند. اینها شامل تایپوگرافی‌های انتخاب‌شده نیز می‌شوند که گاهی دستکاری می‌شوند، همیشه متفاوتند و توجه‌شان به عناصر اصلی است؛ مانند تصویر، عنوان و متن، یک ابزار زیرکانه و چندکاره که با محتواها در شکل‌های مختلف منطبق می‌شود، مانند اتفاقی که برای ساقه‌ی گیاه می‌افتد که می‌تواند خط‌های معماری را دنبال کند و دوباره طراحی‌اش کند، یا می‌تواند غیرقابل پیش‌بینی‌تر باشد و رد‌شان کند و الگویی نامطمئن و متناقض بسازد. در فرایندهای مختلف تایپوگرافی، ترکیب فرمی باردار، مستقل یا متعهد به خود می‌گیرد. همچنین تنها کار می‌کند، الفباهای مختلف را ترکیب می‌کند، تظاهر به کهنه شدن فونت معاصر می‌کند و همیشه حول دو حرف «تی» در میان نام خانوادگی باتیاتو می‌چرخد.

تصاویر دیگر، نقاشی یا تصویرسازی، که از کتاب‌ها گرفته شده یا خلق‌الساعه زاده شدند، بیانی از فرهنگ بصری عمیق و گسترده‌ای هستند که از گذشته تا حال به شیوه‌ای برجسته، اما محترمانه، ادامه داشته است؛ تصاویری که دستکاری و بریده شده‌اند، با رنگ یا فاقد آن، روی هم انباشته شده‌اند تا چشم‌اندازی از شکل‌هایی را بسازند که ارتباط بین قسمت‌ها در آن هیچ‌گاه واضح نیست، اما مسیر دنبال کردنش نیز مرئی نیست، مانند راهی که حتی با یک گام ما را به جای دیگری می‌برد، مانند گفته‌ی قهرمان فیلم «نگاه اولیس»<sup>۹</sup>، اثر کارگردان یونانی آنجلو پولوس<sup>۱۰</sup>.

پروژه‌های مسینا دنیاهایی کوچک، مرئی و محتاطند که لحن روایی متفاوتی، به موازات موسیقی، در آن رشد می‌یابد؛ دنیایی که از درون تصاویری فکرشده و تفکرانی چارچوب‌دار بیرون آمده است، از درون خلیجی اشباع‌نشده از چارچوب‌ها و تصاویر که مانند «فانتزی روحانی»<sup>۱۱</sup> اثر جوردانو برونو<sup>۱۲</sup> است.



- ۱- بوستر، کنسرت موسیقی باتیاتو، ۱۹۷۸
- ۲- جلد‌های س‌دی، منتخب باتیاتو، ۲۰۱۵
- ۳- بوستر، پیرامون باتیاتو، ۲۰۱۵
- ۴- بوستر، تور کوتاه تابستان، باتیاتو، ۲۰۱۲
- ۵- بوستر، کنسرت باتیاتو، ونیز، ۱۹۸۴
- ۶- بوستر، فستیوال ادب و هنرمیلانسیانا، موسیقی و سینما، ۲۰۰۳
- ۷- جلد س‌دی، آلبوم «دانه‌های کنجد را بازکن»، باتیاتو، ۲۰۱۲
- ۸- تصاویری از فیلم، آلبوم «دانه‌های کنجد را بازکن»، باتیاتو، ۲۰۱۲
- ۹- جلد س‌دی، آلبوم از پرواز سریع خود، آنتونی/باتیاتو، ۲۰۱۳
- ۱۰- ترکیب تصویر و تایپوگرافی، کتابچه آلبوم موسیقی «چشم درونی»، باتیاتو، ۲۰۰۹
- ۱۱- جلد آلبوم موسیقی، «صدای استاد»، باتیاتو، ۱۹۸۱
- ۱۲- جلد آلبوم موسیقی، موسیقی کلاسیک معاصر، پابلو کاستالیدی، ۱۹۷۵

# پروژه‌های مسینا دنیاهایی کوچک، مرئی و محتاطند که لحنِ روایی متفاوتی، به موازات موسیقی، در آن رشد می‌یابد؛ دنیایی که از درونِ تصاویری فکرشده و تفکرآتی چارچوب‌دار بیرون آمده است...

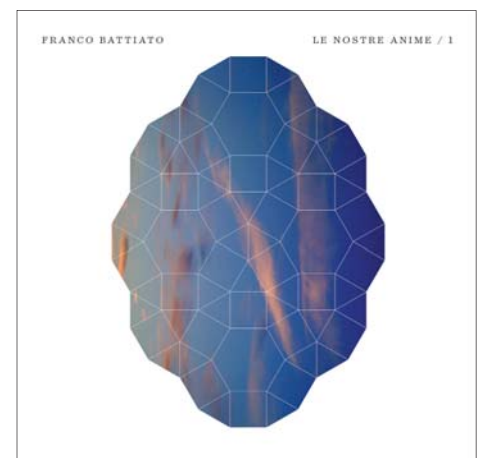
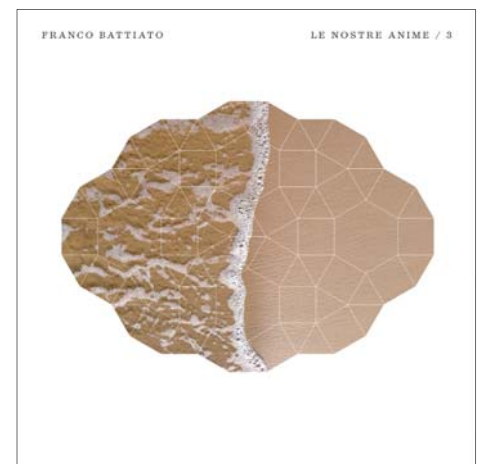
1. Cinzia Ferrara
2. hermeneutic
3. Jorge Luis Borges (1899–1986)
4. Franco Battiato (b.1945)
5. Francesco Messina (1900–1995)
6. motives
7. Johann Wolfgang von Goethe, Le affinità elettive, Einaudi, Torino, 1962.
8. Gesualdo Bufalino (1920–1996)
9. Ulysses' Gaze
10. Theo Angelopoulos (1935–2012)
11. Giordano Bruno's spiritus phantasticus
12. Italo Calvino, Six Memos for the Next Millennium, Harvard University Press, Cambridge Mass., 1988, p. 91.
13. L'Era del Cinghiale Bianco
14. Tadanori Yokoo
15. microcosms
16. Apriti Sesamo

یکی از این شاهکارهای بدیع روی جلد آلبوم «دورانِ گراز سفید»<sup>۱۳</sup> (۱۹۷۹) دیده می‌شود، که پیش‌زمینه‌ی اصلی آن، طرحی سیاه و سفید بود که نیاز به کار دقیق داشت و مستلزم تحقیق اولیه و انتخاب تصویرهای بسیار کوچک درباره‌ی سنت‌های تمام عصرها و فرهنگ‌ها از میان کتاب‌های کتابخانه‌اش بود، سپس بازتولید، بازنقاشی، بازسازی، و دست آخر هم قرارگرفتن در ترکیب نهایی. پس از همه‌ی اینها نوبت رنگ‌افشانی نقش اصلی آن با جوهر - به سبک تصویرسازی تادانوری یوکو<sup>۱۴</sup> که مسینا شیفته‌اش بود - می‌رسید.

نمونه‌ی دیگری از این کهکشان‌های کوچک<sup>۱۵</sup> همانی است که فرانچسکو مسینا انتخابی کاملاً متفاوت در آن دارد، آلبوم «دانه‌ی کنجد را بازکن»<sup>۱۶</sup> که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، در آن همه چیز با انفجاری از نور که گذاری سریع دارد مبهم می‌شود، رنگ‌ها دگرگون می‌شوند و همه‌ی عناصر ترکیب در آن بلعیده می‌شوند و تنها چاپی ساده، خشک و بی‌پیرایه باقی می‌ماند؛ چاپی که تنها برای بازتولید عنوان لازم است. اینها کهکشان‌های کوچک پُرجمعیت یا گاهی خالی‌اند، اما هنوز هم سناریوهایی مهیج و متراکم دارند که نیاز به بازتاب بیشتر در جست‌وجوی آن محتواهای ترجمه شده‌اند.

حتی نوشتن در مورد طراحی ارتباط بصری نیز مستلزم پرداختن به مسئله‌ی ترجمه است. این کار ما را وادار به عبور از آن پل ارتباطی می‌کند؛ کاری که به هیچ‌وجه نمی‌توان با تقلید، خودنمایی و تکبرانجام داد؛ در عوض باید تلاش کرد از میان چارچوب‌ها دید و برای درکِ فکری که باعث خلق‌شان شده است دقیق دید و تفسیر کرد. سرانجام در زمان سفر کرد و از مابه‌ازاهای مرئی به مفاهیم نامرئی ورای آن رسید و تلاش کرد برداشتی صحیح از آن داشت که البته ضمانتی برای آن وجود ندارد.

2





4

international music and arts  
www.battiato.it



**BATTIATO**  
*Short Summer Tour*

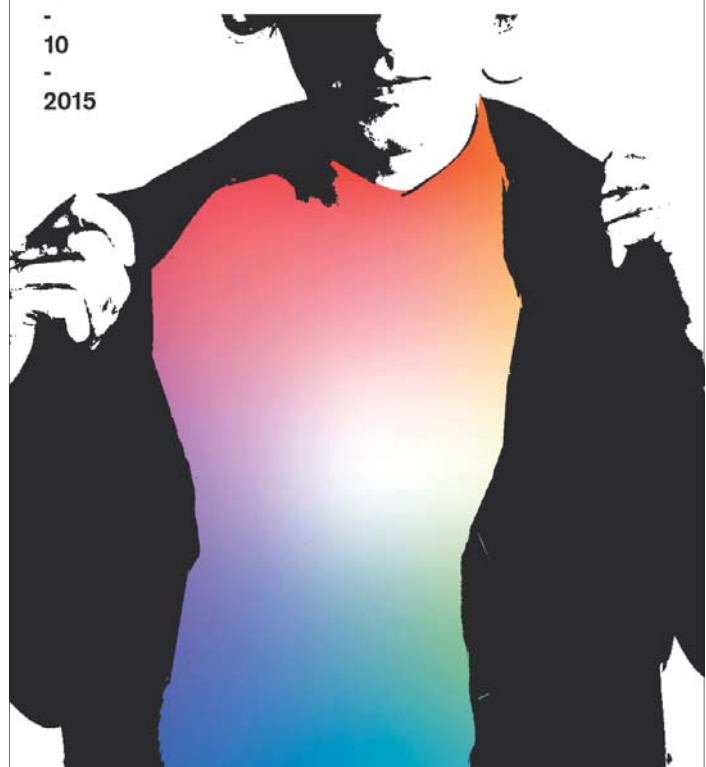
CON LA *Filarmonica Arturo Toscanini*  
CARLO GUAITOLI DIREZIONE D'ORCHESTRA E PIANOFORTE, ANGELO PRIVITERA TASTIERE,  
DAVIDE FERRARIO CHITARRE, LORENZO POLI BASSO, GIORDANO COLOMBO BATTERIA.

3

Cartacanta 17ª edizione Spazio multimediale S. Francesco Civitanova Marche Alta

26  
-  
9  
/  
25  
-  
10  
-  
2015

**Around Battiato**  
**Progetti grafici**  
**Francesco Messina**  
**Polystudio**



6



5

LIDO MUSICA 1984

**BATTIATO**  
CON L'ORCHESTRA  
DA CAMERA DI VENEZIA  
DIRETTA DA GIUSTO PIO

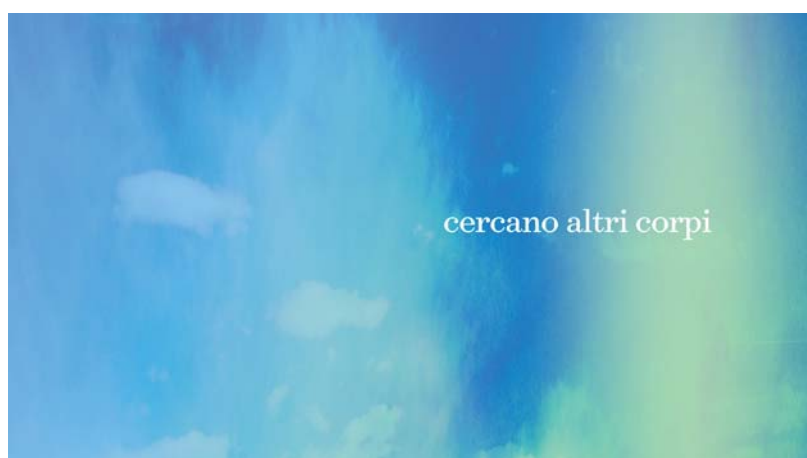
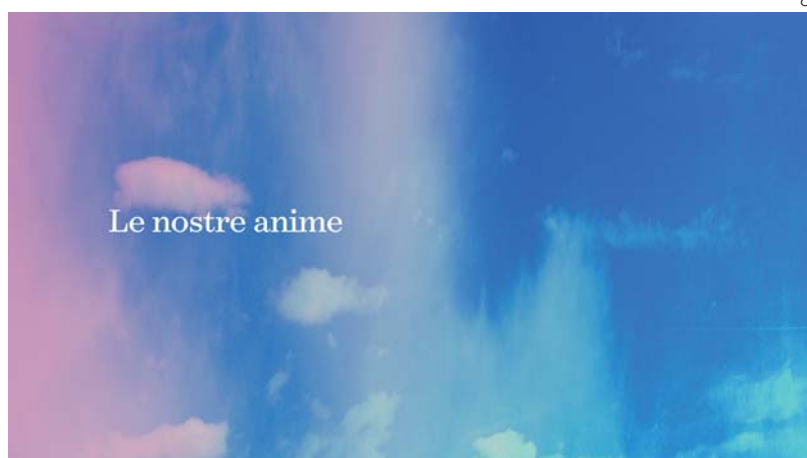
4-5 agosto  
CHIOSTRO DI S. NICOLÒ  
Ore 21.15

Per informazioni  
e prenotazioni biglietti,  
consultare alla segreteria  
del Consiglio di Quartiere  
Via Sordani-Cala 26  
tel. 041750894  
Primo Libro Antico  
Antonino Pugliese di Turismo  
Cassa Verde Lido tel. 041750771

Ingresso  
Libero (10.000 lire)  
L. 2000 (10.000 lire) di legge

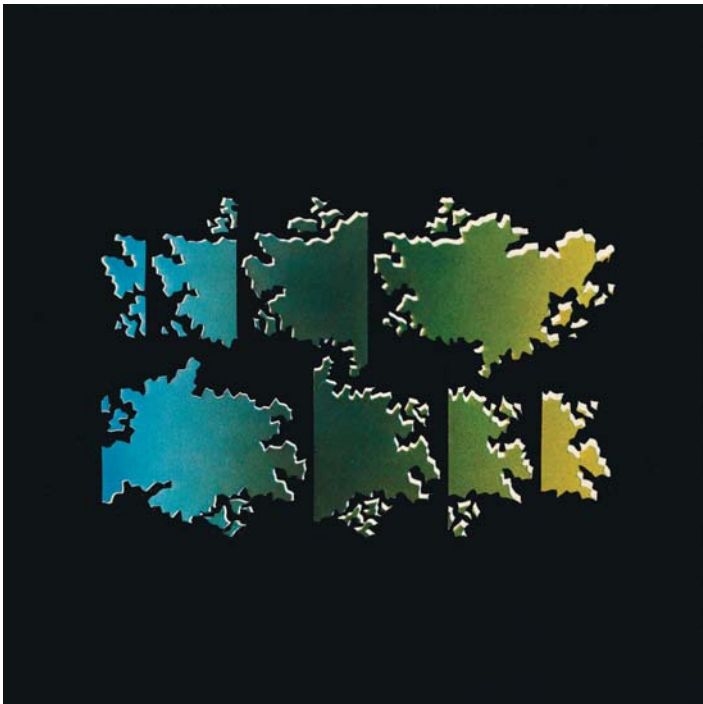
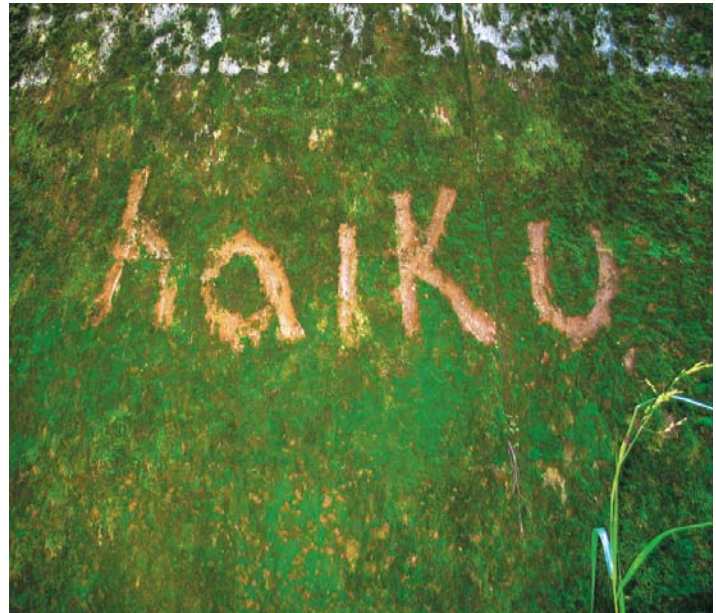
In caso di pioggia  
lo spettacolo verrà tenuto  
al Teatro La Fenice  
Al Canal

A&E  
C&C  
AVAL





- 1- Poster, concert with music by Battiato played by Alide Maria Salvetta, Antonio Ballista and Giusto Pio, Palazzo del Cinema, Lido di Venezia, 1978
- 2- CD covers, Le nostre anime, Anthology of Franco Battiato, 2015
- 3- Poster, Around Battiato, Graphic designs by Francesco Messina Polystudio, exhibition, Civitanova Marche, 2015
- 4- Poster, Short Summer Tour, Franco Battiato, 2012
- 5- Poster, Franco Battiato's concert, Lido Musica, Venice, 1984
- 6- Poster for Milanesiana, festival of literature, music and cinema, 2003
- 7- Cover of the album Apriti Sesamo, Franco Battiato, 2012
- 8- Images of the video for the album Apriti Sesamo, Franco Battiato, 2012
- 9- Cover of the album Del suo Veloce Volo, Anthony / Battiato, 2013
- 10- Photo-typographic composition, Booklet of the album Inneres Auge, Franco Battiato, 2009
- 11- Cover of the album La Voce del Padrone, Franco Battiato, 1981
- 12- Cover, album of contemporary classical music by Paolo Castaldi, 1975





Neshan 44  
The Iranian Graphic  
Design Magazine

Summer 2018  
Design And Music

**ico-D** International  
Council of Design  
leading creatively



Printed in Iran  
5 Mansoor Alley, Sadri Street,  
Sohrevari Avenue,  
Tehran 15657563-Iran.  
Tel: +98 (21) 77 56 51 38  
email: info@neshanmagazine.com  
www.neshanmagazine.com

**EDITORIAL COLUMN:**  
Design for Music, Music for Design  
Majid Abbasi

**OPINION:**  
Music: Design Within The Context Of Time  
Amir Sarraf

Listen To My Poster  
Roshanak Keyghobadi

**IRANIAN CONTEMPORARY DESIGN:**  
Siamak Pourjabbar  
Why Is A Raven Like A Writing Desk?  
Ali Afsarpour

**PROJECT:**  
The Designer's Voice  
On Designing Record Covers In Iran, 1975 To 2018  
Meraj Ghanbari

**DESIGN TODAY:**  
Indeterminate Sounds; Indefinite Images  
Pouya Ahmadi

**FACE TO FACE:**  
Power And Passion  
Face To Face With Fons Hickmann  
Majid Abbasi

**REFERENCE:**  
The Magazine And The Music  
Jens Müller

Edition Of Contemporary Music  
Gazelle Parizad

**ARCHIVE:**  
Melodiya Of Those Years  
Alexandra Sankova

Cover Designer: N/A  
A Quick Glance At The Sleeve Design  
Of Vinyl Records In Iran  
Ali Bakhtiari

**DIFFERENT:**  
Of Designing, Of Translating, Of Searching  
Cinzia Ferrara

**OVERVIEW:**  
Josef Müller-Brockmann; Initiator And Pioneer  
Majid Abbasi

**GALLERY:**  
Paula Scher  
Leila Panahandeh

**REVIEWS:**  
Sepideh Honarmand

**LICENSE HOLDER:**  
Saed Meshki

**EDITOR-IN-CHIEF:**  
Majid Abbasi

**EDITORIAL CONSULTANT:**  
Ali Rashidi

**INTERNATIONAL EDITORIAL BOARD:**  
Pouya Ahmadi, Steven Heller,  
Jens Müller, Vanina Pinter, Olga Severina,  
Emily Verba Fischer

**CONTRIBUTORS OF THIS ISSUE:**  
Ali Afsarpour, Pouya Ahmadi,  
Ali Bakhtiari, Cinzia Ferrara,  
Meraj Ghanbari, Sepideh Honarmand,  
Roshanak Keyghobadi, Jens Müller,  
Leila Panahandeh, Gazelle Parizad,  
Alexandra Sankova, Amir Sarraf

**SPECIAL THANKS:**  
Manfred Eicher (ECM), Fons Hickmann,  
Iranian Museum of Graphic Design,  
Aria Kasaei, Moscow Design Museum,

Lars Müller Publishers,  
Siamak Pourjabbar, Bettina Richter  
(Museum für Gestaltung Zürich),  
Paula Scher (Pentagram),  
Ramin Sedighi (Hermes Records)

**ENGLISH COPY EDITOR:**  
Emily Verba Fischer

**TRANSLATION:**  
Pouya Ahmadi, Editrans Editing &  
Translation Center

**FARSI COPY EDITOR:**  
Mohsen Faraji

**DESIGN AND PAGE LAYOUT:**  
Studio Abbasi; Leila Panahandeh,  
Parisa Golab

**ENGLISH PAGES DESIGN CONCEPT:**  
Pouya Ahmadi

**WEB:**  
Maze Group

**Neshan is a professional and educational magazine with the Aim of promoting the design & visual culture intention of ameliorating ties between the graphic designers of Iran, Asia and all parts of the world. Neshan is a member of IDMN, The International Design Media Network of ICOGRADA, the International Council of Graphic Design Associations.**

3 **Design for Music,  
Music for Design**

4 **Music:  
Design Within  
The Context Of Time**

6 **Listen To My Poster**

7 **Why Is A Raven Like  
A Writing Desk?**

8 **The Designer's Voice  
On Designing Record Covers  
In Iran, 1975 To 2018**

9 **Indeterminate Sounds;  
Indefinite Images**

11 **Power And Passion**

12 **The Magazine  
And The Music**

13 **Edition Of  
Contemporary Music**

15 **Melodiya  
Of Those Years**

16 **Cover Designer: N/A  
A Quick Glance At The Sleeve  
Design Of Vinyl Records In Iran**

18 **Of Designing,  
Of Translating,  
Of Searching**

19 **Josef Müller-Brockmann;  
Initiator And Pioneer**

Discussing the design of visual communication entails the constant drawing of parallels with the issue of translation, regardless of the content concerned. Discussing the design of visual communication for music entails a two-phase translation, due to the need to transform content not only by giving it a different form of expression from its original, but also its very nature that, from abstract and impalpable, becomes concrete and tangible. In this process, which may take on a hermeneutic value, the designer acts as a translator and prepares the 'crossing of the bridge' by handling design tools and manipulating contents and concepts with the aim of obtaining the translation of an element from invisible into visible as the outcome of the transformation process.



Nothing is more deceiving than the apparent simplicity of the term "translation." However, translation is much more than a mere, automatic process of substitution: on the contrary, it literally means 'to carry from one place to another that form which is the transposition of a thought, the interpretation of the word, the deep betrayal of the original meaning.' Borges would ask his translator not to stop at the written word, but to go up, scrambling over steep paths until he would reach the truest intention of what he meant, going well beyond the metaphor of language use to represent reality in an incomplete, imperfect way.

I doubt that Franco Battiato has ever asked Francesco Messina to develop a paradoxical process similar to the one described above – I doubt it because I know the liberalism of the former, whose mind is an open sea, and the independence of the latter, who is a careful listener but also very determined in the choices he makes. From the outset, their relationship has been one between people who are used to walking along parallel paths that cross more and more often, betraying the laws of geometry – and when this happens, more and more frequently, they've had to look into each other's eyes.

Francesco Messina is a multifaceted designer, since he is not only a visual communication designer, but also a musician and composer, meaning he can not only listen to music, but also understand, imagine, and write it. And he does so by swimming across it, so to say, moving swiftly between the lines where he bumps into scattered notes, filling the space and time in which a composition grows. He is, however, also able to dive into music, going through its layers down to its abyss, moving away from the surface and the light that is refracted there, and towards the most secret, obscure motives that generated that music. His twofold role cannot be underestimated when interpreting the many projects that have marked his long, generous collaboration with Franco Battiato, also a musician, singer and songwriter, composer as well as poet, painter, and film director. An insatiable researcher, never tired and never satisfied with the peak he has

reached, which becomes a privileged position to glimpse into and choose a new destination for his journey.

Francesco Messina and Franco Battiato meet in 1974. Over time they become friends, partners and more and more necessary to one another, building a strong, intense relationship. Music is only one of the reasons behind their bond, while an elected affinity is generated by those *substances, apparently inert, and however always intimately willing, which one may observe in their looking for each other, attracting each other, absorbing each other...* paraphrasing Goethe<sup>1</sup>. A role in this may be played by Sicily, which is in the DNA of both, the land which maps keep calling an island but which in fact, as Gesualdo Bufalino draws it with words, is a continent<sup>2</sup> where everything is mixed up, changing, and contradictory.

Their encounter takes place on the terrain of music; communication design will come later, after they have recognized each other as similar yet visibly different, distant and complementary like the East and the West. It would be more than reductive to think of their "dialoguing" as a mere designer-client relationship: we should rather recall excellent examples that would take us back in time, making us think of men with special intelligence and sensibility. Francesco Messina's translation work is always precise and meticulous, far from being a mere literal transposition, completed using all the tools available to him, and it is always possible to look through it, following the line of his words, which show lucid thinking and expressive capacities that are definitely rare, and which tell how each project was generated starting from the title, the texts, the music, the intentions, from a thought, having recourse to a gemmation and/or layering process, depending on the case, but always based on the removal of the obvious, of the superfluous, of the exceeding.

Among the recurrent instruments used in his projects is photography, his own or produced by others, before or after, fortuitous or constructed, found or retrieved, but always "contaminated" – as he likes to say – manipulated in a post-production process, invaded by colour – including synthetic or monochromatic, with contrast taken to the limit or reduced to a dramatic black and white.

Traces of these manipulations are visible in many of his works, in the sky of mount Ararat, made forcibly dark and nocturnal; in Battiato's portrait where the seat disappears and his body seems to fluctuate in space, surrounded by palm trees and desert dunes; in the pattern of flying storks who, unconsciously, invade the background of a composite image; and still, images stored in memory and then resurfaced to be used, sometimes flippantly, just like the wind which blows their skirts up.

Most of the time photography is called to take on the role of a co-protagonist, who must learn to coexist with other elements of the composition and to dialogue with them. These include the typography chosen (sometimes manipulated), always different and paying attention to the main elements including images, titles, and texts. It is a versatile instrument that adapts to contents taking on different forms, as it happens to the stem of a plant that follows the outlines of architecture and redesign. It can also be more unpredictable and reject them, creating uncertain, contradictory patterns. In the various composition processes typography takes on a pregnant, autonomous or remissive form, working on its own, combining different alphabets, feigning the ageing of a contemporary font, sometimes also involving punctuation in contributing to the composition, always revolving around the double T in the middle of Battiato's surname.

Then there are the images, either drawings or illustrations, taken from books, designed *ad hoc*, expressions of a vast, deep visual culture that draws from the past and from the present in a bold, though not disrespectful way – images which are manipulated, cut out, coloured or deprived of colour, piled up to compose landscapes of shapes in which the relations between parts are never obvious but become invisible threads to follow, like in a path that takes us elsewhere with one step

alone, as the protagonist of the film *Ulysses' Gaze* by the Greek director Angelopoulos says.

Francesco Messina's projects are small, self-contained visible worlds in which a different expressive tale, parallel to music, develops – built out of thought-of images and of thoughts with a form, all drawn from that *gulf, never saturable, of forms and images* which resembles Giordano Bruno's *spiritus phantasticus*<sup>3</sup>.

One of these microcosms is found on the cover of the record *L'Era del Cinghiale Bianco*, released in 1979, whose main plate, sketched in black on white, needed a careful work, entailing first research and selection of every small image taken from the books in his library dedicated to traditions of all ages and cultures and then the reproduction, re-drawing, re-touch and finally inclusion in the final composition. This was followed by airbrushing with aniline inks, in which a fundamental role, as he writes in his book *Ogni tanto passava una nave*<sup>4</sup>, was played by the illustrative style of Tadanori Yokoo a Japanese artist whom he admired greatly.

Another of these microcosms is that in which Francesco Messina makes a completely different choice to tell the album *Apriti Sesamo*, released in 2012, where everything is invaded by a burst of light that transforms quickly, taking on different colours and swallowing every element of the composition, only sparing a simple, austere typography, merely necessary to reproduce the title.

They are overcrowded or almost deserted microcosms, but still compressed, evocative scenarios deserve further reflection in search of those translated contents.

Even writing about visual communication design entails having to address the issue of translation. This activity also carries out that crossing of the bridge that can never be slavish, pedantic, or consequential, but should try and look through forms, to read and interpret them in order to sense the thoughts that generated them, and finally to make the backward journey that leads from the visible to the invisible, trying – though this can never be guaranteed – not to be mistaken.

1 Johann Wolfgang von Goethe, *Le affinità elettive*, Einaudi, Torino, 1962.

2 According to atlases, *Sicily is an island, and it must be true: atlases are honourable books. One would like to doubt it, however, when you think that the concept of island usually corresponds to a compact lump of race and customs, whereas here everything is mixed up, changing and contradictory, as in the most composite of continents. It is true that there are many Sicilies: I'll never stop counting them.* Gesualdo Bufalino, *La luce e il lutto*, Sellerio, Palermo, 1996, p. 17 [my translation]

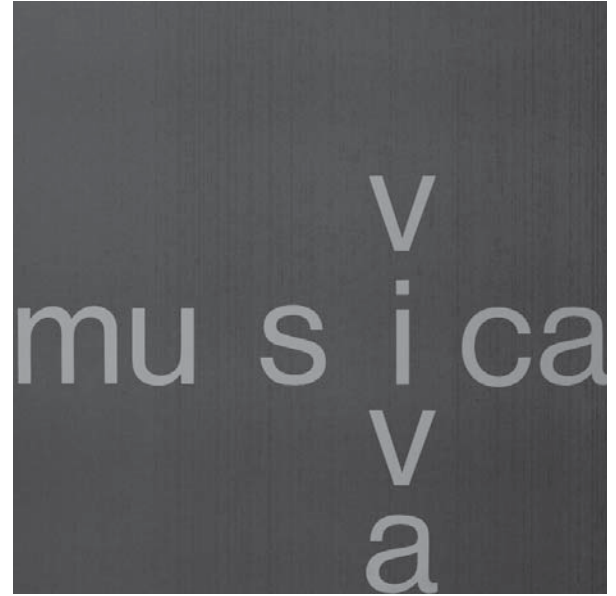
3 Italo Calvino, *Six Memos for the Next Millennium*, Harvard University Press, Cambridge Mass., 1988, p. 91.

4 Francesco Messina, *Ogni tanto passava una nave*, Bompiani, Milano, 2014, p. 57.

Majid  
Abbasi

Josef Müller-Brockmann;  
Initiator And Pioneer

Paul Rand believed that no designer promoted Swiss style as much as Josef Müller-Brockmann. Today we observe that Müller-Brockmann became a designer from an illustrator, with special emphasis on typographic ideas. "Through his designs, writing, and teaching, Müller-Brockmann became the era's most influential Swiss designer as the national movement he helped create grew beyond the country's borders."



Josef Müller-Brockmann was born in Rapperswil in 1914 and started his professional career in Zürich in 1930. He was trained by Ernst Keller, Alfred Willmann and, Hans Finsler at the Zürich School of Art and Crafts (Kunstgewerbeschule). This group of teachers powerfully impacted young Swiss designers. Müller-Brockmann began his career in 1934 as a freelance designer and illustrator. He was the youngest member of the newly established Association of Swiss Graphic Designers in the 1930s. Constructivism was at its peak for a decade over the whole history of design, architecture and industrial design in Switzerland, with Zürich at the center of this approach. The outcome of this period had an international impact that lasted until the 1950s. During this period, the Basel School of Design invited Armin Hofmann to teach. He was also a pupil of Keller, Willmann, and Finsler.

After World War II, Müller-Brockmann continued his job as a graphic designer with a focus on exhibition design and illustration, and worked with various theaters in Switzerland and other countries. In 1950, he designed his first typographic posters for Tonhalle Zürich; this collaboration continues (with his close friendship with Samuel Hirschi) until 1972. The world within him surpassed the boundaries of what he had learned.

Müller-Brockmann had a good knowledge of visual arts and music; this understanding was a privilege for him. After reviewing his posters, one can recognize his deep knowledge of music, design, and typography. These factors are the sources of pure geometric elements and two-dimensional structure-oriented combinations, which have been leveraged by him openly. This method allowed him to develop his ideas and design music posters, and to illustrate variations on a visual theme. His music posters are calm and strong. They are not just visual translations, rather depictions of voices, rhythms and music atmospheres. His works resemble belief, courage, strength, respect for quality, and credit and dignity for audiences.

In the 1940s, Müller-Brockmann continued his skillful visual process with a surrealist and playful approach. He said: "I had to teach myself how to look critically at my work and make distinctions between what is creative, imitative or merely intellectually calculating. After four worthless years of war I wanted to have a positive, constructive role in society. I couldn't improve textual-pictorial communication through my artistic work but I could

OVERVIEW